

The Linkage among Behavior and Element of Loss in Compound Offense, Challenges of Legal Determination and Judicial Verification with Emphasis on Fraud

Abolfazl Mohamad Alikhani

PhD. student of criminal law and criminology Islamic Azad University North Tehran Branch, Tehran, Iran.

Hassan Alipour*

Assistant professor of Criminal Law and Criminology of Azad university north Tehran Branch, Thran, Iran.

Mohamadreza Elahimanesh

Assistant professor of Criminal Law and Criminology of Azad university north Tehran Branch, Thran, Iran.

Abstract

A compound crime refers to a crime that involves two or more behaviors. The combination of these behaviors, which determine a distinct nature separate from simple or single-behavior crimes, sets apart compound crimes. The multi-behavior nature of a compound crime does not solely rely on the criminality of each behavior but on the presence of these behaviors in the specified order stated by law.

Criminal law and judicial procedures generally adopt a straightforward approach when investigating criminal behavior. With a few exceptions, such as jurisdiction or law enforcement, they do not focus on the substantive differences in criminal behavior. The fundamental characteristic distinguishing compound crimes from other crimes is the longitudinal continuity of two or more behaviors. This means compound crimes are formed when the perpetrator or perpetrators engage in different behavior on two or more occasions. Consequently, the crime is separated from the resulting crime, which is the outcome of the behavior itself and not the behavior alone. However, despite the multi-behavior nature of compound crimes, it is essential to note that this crime is primarily equated with the resulting crime. In some instances, the second or last behavior in a compound crime may be considered the result of the crime, differentiating it from multiple, continuous, and habitual crimes.

* Corresponding Author: hassan.alipour@ut.ac.ir


How to Cite: Mohamad Alikhani, A., Alipour, H., & Elahimanesh, M. (2023). The linkage among behavior and element of loss in compound offense, challenges of legal determination and judicial verification with emphasis on fraud. *Journal of Criminal Law Research*, 11(42), 211-244. doi: 10.22054/jclr.2023.63955.2400.


The multiplicity of behavior in a compound offense is the primary condition for committing the crime. However, this characteristic also brings it close to multiple crimes. In a compound offense, the individual behaviors do not necessarily constitute separate crimes. Instead, their presence together leads to the commission of a compound crime. On the other hand, in multiple crimes, each behavior is considered a distinct crime, and the multiplicity of the crimes occurs when the perpetrator commits multiple behaviors, with each behavior implying an independent crime. This is the main difference between these two categories. In a continuous crime, a single behavior results in the commission of the crime, even though that behavior must occur over time. Therefore, the singular behavior in a continuous crime sets it apart from compound crimes involving multiple behaviors. In the case of habitual crimes, similar criminal behaviors are repeated. Participation in a compound crime is based on collusion; thus, the collaboration and performance of one of the criminal acts by the partners lead to its occurrence. Legally, all partners do not need to engage in all criminal behaviors. If each partner commits one of the criminal behaviors, participation in the compound offense is established. In this scenario, the role of an accomplice also depends on their cooperation in all behaviors or at least in the first behavior by assisting. Therefore, if the accomplice assists and cooperates with the perpetrator in any of the behaviors of the compound crime, their participation is fulfilled. The accomplice is not legally required to cooperate in all the behaviors. Attempting to commit a compound crime is associated with completing the first behavior. The perpetrator performs the first behavior entirely but is prohibited from engaging in the second or subsequent behaviors due to an involuntary factor. It should be noted that the failure to perform the first act should not be considered an attempt.


This research employs library sources and analyzes judicial opinions using a descriptive and analytical approach. It has concluded that despite compound crimes' distinct nature and characteristics, which differ significantly from simple and single-behavior crimes, they lack a clear legal position and procedure. The suggestion put forth by this article is that categories related to the behavior of crimes, mainly compound crimes, should be regulated through judicial procedures rather than relying solely on legal articles due to the standard challenges involved.

Keywords: Compound Crime, Element of Behavior, Element of Result, Longitudinal Continuity of Behaviors, Fraud.

پیوند رفتار و عنصر ضرر در بزه مرکب، چالش‌های تعیین قانونی و احراز قضایی با تأکید بر بزه کلاهبرداری

ابوالفضل محمد علیخانی  دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران.

حسن عالی‌پور*  استادیار پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران.

محمد رضا الهی‌منش  دکتری حقوق جزا، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران.

چکیده

بزه مرکب بزه‌ای است که از دو یا چند رفتار تشکیل شده است. ترکیب دو یا چند رفتار برای یک عنوان مجرمانه ماهیتی جدا از جرایم ساده یا تک رفتاری ترسیم می‌کند. حقوق کیفری و پیرو آن رویه‌ی قضایی در بررسی جرایم، نگرشی ساده و بسیط محور نسبت به رفتارهای مجرمانه دارد و جز در برخی موردهای غالباً شکلی مانند صلاحیت یا اجرای قانون در زمان، به تفاوت‌های ماهیتی در رفتار جرم، متمرکز نمی‌شود. پیوستگی طولی دو یا چند رفتار، یک وصف بنیادین برای جداسازی بزه مرکب از دیگر بزه‌ها است. بطور مشخص چون مرتکب یا مرتکبان در دو یا چند نوبت رفتارهایی از جنس گوناگون انجام می‌دهند تا بزه شکل بگیرد، با جرم مقید به نتیجه که نتیجه محصول و معلول رفتار است و نه خود رفتار، فاصله می‌گیرد، همچنانکه با همین ویژگی از تعدد جرم، جرم مستمر و جرم به عادت نیز جدا می‌شود. شرکت در بزه مرکب مبتنی بر تبانی است و معاونت در این بزه نیز منوط با همکاری در همه‌ی رفتارها یا رفتار نخست است. شروع به جرم مرکب با تحقق رفتار نخست ملازمه دارد. مقاله‌ی حاضر با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و تحلیل آرای قضایی به روش توصیفی و تحلیلی به این نتیجه رسیده است که بزه مرکب با وجود ماهیت و ویژگی‌های کاملاً متمایز از بزه‌های ساده و تک رفتاری، نه از جهت قانونی جایگاه روشنی دارد و نه رویه‌ی قضایی به درستی به آن پرداخته است. با این حال، پیشنهاد این نوشتار این است که دسته‌بندی‌های مرتبط با رفتار بزه بویژه بزه مرکب، به دلیل چالش‌هایی معیاری بیشتر باید با رویه‌ی قضایی ضابطه‌مند شود تا مواد قانونی.

واژگان کلیدی: بزه مرکب، عنصر رفتار، عنصر نتیجه، پیوستگی طولی رفتارها، کلاهبرداری.

مقدمه

بزه مرکب یا بزه چندرفتاری در برابر بزه ساده یا بزه تک رفتاری قرار دارد. مبنای اخلاقی یا مبنای ضرر در جرم‌انگاری، با پیش‌بینی یک رفتار برای هر جرم پیوستگی دارد. یک رفتار بر پایه‌ی فعل که در راستای نادیده گرفتن نهی قانونگذار یا ترک فعل که در راستای بی‌پروایی به امر قانونگذار است، هویت می‌یابد؛ زیرا همچنانکه گزاره‌های اخلاقی و مذهبی بسیط و بیانگر امر و نهی نسبت به یک مقوله‌ی رفتاری است، بزه بودن رفتار مقابل امر و نهی اخلاقی و مذهبی نیز ماهیتی یکتا دارد. از این رو، بیشتر بزه‌ها به صورت تک رفتاری پیش‌بینی می‌شوند و اصل بر ساده و تک رفتاری بودن جرایم است. بزه مرکب به جهت مبنایی ناظر به وضعیتی است که تک رفتار برای جرم بودن کافی نیست و باید دو یا چند رفتار در طول هم قرار بگیرند تا بتوان از سرزنش‌پذیر یا زیانبار بودن آن سخن گفت. به جهت تعدد رفتار غیرهمجنس از یک سو و طولی بودن تحقق این رفتار از سوی دیگر، بزه مرکب را می‌توان بزه پیچیده نیز نام گذاشت؛ زیرا مقام قضایی باید افزون بر اینکه دو یا چند رفتار را برای یک بزه اثبات کند، باید پیوند مستقیم و طولی این رفتارها را نیز احراز نماید. جدا از این، باید در یک فرآیند جداگانه به احراز عناصر رکن روانی، معاونت و شرکت در جرم و نیز برخی مقوله‌های شکلی بکوشد و چالش این نوشتار از نیز همین جا می‌آغازد که به راستی نسبت عناصری تشکیل‌دهنده‌ی بزه مرکب با دیگر بزه‌ها کدام است و ماهیت افتراقی این بزه، چه اثری بر روی اثبات و احراز قضایی دارد؟

ماهیت چندرفتاری بزه مرکب، بیش از همه، این بزه را با بزه مقید همسان می‌کند، به گونه‌ای که گاه رفتار دوم یا رفتار آخر در بزه مرکب بعنوان نتیجه‌ی جرم به شمار می‌رود؛ برای نمونه اگر «بردن» در کلاهبرداری رفتار دوم در طول رفتار نخست یعنی اقدام از راه حيله و تقلب دانسته شود، در این حال این بزه، مرکب و مطلق خواهد بود و مقام قضایی باید دو رفتار به همراه دو عمد در رفتار را احراز نماید و چون نتیجه‌ای در قانون پیش‌بینی نشده است، نیاز به اثبات قصد ایراد ضرر یا هر قصد دیگر نخواهد بود. ولی اگر «بردن» بعنوان نتیجه‌ی بزه پنداشته شود، در این حال کلاهبرداری ساده و مقید خواهد بود و بر پایه‌ی ماده‌ی

۱۴۴ قانون مجازات اسلامی، قاضی ملزم به احراز قصد نتیجه یا علم به وقوع آن در کنار عمد در رفتار خواهد بود. این چالش اثر شگرفی در قضاوت کیفری داشته و سبب تشّت آراء و گاه کجروی قضایی شده است. چالش دوّم، پیوند بزه مرکب با تعدّد جرم است. تعدّد رفتار در بزه مرکب شرط اصلی برای آن است، ولی همین ویژگی آن را به تعدّد بزه نزدیک می‌کند؛ بویژه در جایی که ماهیت یکی از رفتارها خود به صورت مستقل جرم باشد. از یک سو، ویژگی جرم مرکب، کنار هم قرار گرفتن دو یا چند رفتار است که هر یک بطور جداگانه جرم به شمار نمی‌روند. از این رو، نباید پذیرفت که اگر ماهیت یکی از رفتارها بزه باشد، در این صورت تعدّد شکل می‌گیرد. از سوی دیگر، عنوان مجرمانه‌ای که بزه مرکب دانسته می‌شود از جهت عددی و رابطه‌ی طولی با رفتارهای خود پیوند دارد و نه از جهت ماهیت. اگرچه غالباً رفتارهای بزه مرکب، خود ماهیتاً جرم و قابل کیفر نیستند، ضرورتاً چنین نیست و بر همین پایه جمع بزه مرکب و تعدّد جرم امکان‌پذیر است. چالش سوّم، شرکت و معاونت در بزه مرکب است. دو یا چند رفتاری بودن بزه مرکب، نقش شرکاء را مبهم م‌کند، از این جهت که شرکاء باید در همه‌ی رفتارها حضور داشته باشند یا اینکه عملیات اجرایی بزه مرکب مدنظر خواهد بود و می‌تواند همراه با تقسیم کار ولی با تبانی پیشین همراه باشد، که در این صورت کافی است شرکاء تنها در یک رفتار شرکت داشته باشند. در این حال، چالش عدم شرط تبانی و وحدت قصد در شرکت در بزه مطرح می‌شود که سبب می‌شود ماهیت شرکت در جرایم مرکب با دیگر جرایم سراسر فرق داشته باشد. همین وضع درباره‌ی معاون صادق است. اینکه معاون در همه‌ی رفتارهای بزه مرکب باید همکاری کند یا اگر تنها در رفتار نخست یا رفتار آخر معاونت کند، باز معاونت بنیاد می‌گیرد.

چالش‌های گفته‌شده برجسته‌ترین مسائل ماهوی بزه مرکب هستند که همگی وابسته به تبیین شفاف مرز میان رفتار و نتیجه است. در کنار این چالش‌ها، مسائل شکلی از جهت قانون حاکم یا صلاحیت دادگاه‌ها هم مطرح می‌شوند که این جستارها پیشینه‌ی بررسی دارند و در این نوشتار بررسی نخواهند شد. در واقع، بخش ماهوی بزه مرکب که به ندرت در ادبیات حقوقی و قضایی کشور مطرح شده در این نوشتار بررسی می‌شود. بر این پایه در آغاز به مفهوم بزه مرکب اشاره می‌شود. سپس، این بزه از دیگر نهادهای مشابه بازشناسی می‌شود.

در بخش سوّم مقاله، ویژگی‌های افتراقی بزه مرکّب در نهادهای حقوق کیفری ماهوی بررسی می‌شود و در پایان جایگاه بزه مرکب در رویه‌ی قضایی مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

۱. شناخت بزه مرکّب

با بررسی قوانین، تعریفی از جرم مرکّب ملاحظه نمی‌شود. از این رو، تعاریف بیان‌شده توسط استادان حقوق کیفری جهت شناخت مفهوم آن ارائه می‌شود «جرم مرکّب جرمی است که متضمّن عملیات متفاوت طبیعی و متوالی است و مجموعه‌ی آن جرم واحدی را تشکیل می‌دهد (علی‌آبادی، ۱۳۹۲ [الف]: ۹۷). «جرم مرکّب آن است که جرم از چند جزء مجزاً و مشخص به وجود آمده باشد، به نحوی که هر گاه یکی از اجزاء از بین برود تحقق جرم امکان‌پذیر نباشد» (محسنی، ۱۳۷۵: ۳۵۶). «جرمی را مرکّب گویند که عنصر مادی آن از افعال متنوّع و به قصد تحقق نتیجه‌ی واحد ترکیب یافته باشد» (اردبیلی، ۱۳۸۵: ۲۱۴). «جرم مرکّب جرمی است که رکن مادی آن را بیش از یک فعل تشکیل داده باشد» (زراعت، ۱۳۸۶: ۱۶۷). «بزه مرکّب با وقوع چندین عنصر مادی متعدّد ولی با هدف واحد محقق می‌شود» (لوترمی، کلب، ۱۳۹۵: ۵۸). در تعاریف بیان‌شده دو نکته‌ی مشترک وجود دارد: اول، جرم از حیث رکن مادی به جرم مرکّب یا جرم ساده تقسیم می‌شود. دوّم، چند رفتاری بودن رکن مادی باعث شکل‌گیری جرم مرکّب می‌شود. ولیکن نکته‌ی حائز اهمیت‌تری که در تعاریف بیان‌شده منعکس نمی‌باشد اینکه رفتارهای متعدّد در تحقق جرم مرکّب، رابطه‌ی طولی دارند به این معنا که هم باید هر دو رفتار محقق شود تا بگوییم رکن مادی واقع شده است و هم به ترتیب پیش‌بینی‌شده در قانون تحقق پیدا کند و پس‌وپیش شدن هر یک از رفتارها موجب عدم تحقق جرم می‌شود. پس در یک تعریف کامل‌تر می‌توان جرم مرکّب را جرمی دانست که از دو یا چند رفتار تشکیل شده که برای تحقق آن جرم باید همه‌ی رفتارهایی که بموجب قانون پیش‌بینی‌شده محقق شوند و این رفتارها با او عطف در طول هم قرار می‌گیرند و غالباً (نه همه) این رفتارها که مباح اند در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و جرم را می‌سازند. به بیان دیگر، بارزترین ویژگی بزه مرکّب طولی بودن رفتارهای

شکل‌دهنده‌ی رکن مادی جرم بوده و همین ویژگی بعنوان اصلی‌ترین خصیصه‌ی بزه مرکب و موجب تمیز این بزه از مفهومی‌های همسان می‌شود که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۲. بازشناسی بزه مرکب از مفهومی‌های همسان

۲-۱. ترکیب رفتار و استمرار رفتار

«جرم مستمر آنچنان جرمی است که مدت‌زمان تحقق آن مدت‌زمانی طولانی، اعم از چند روز یا چند هفته یا حتی چند ماه به طول انجامد» (محسنی، ۱۳۷۵: ۳۷۱) یا «جرمی است که عنصر مادی آن، نه با تحقق لحظه‌ای یک عمل، بلکه با تداوم و استمرار آن در آنات و لحظه‌های پیوسته‌ی زمان تحقق می‌یابد و در واقع قانونگذار استمرار آن را موجب تحقق عنوان مجرمانه می‌داند» (خالقی، ۱۳۹۴: ۲۲). از این رو، آنچه موجب تحقق جرم مستمر می‌گردد این است که رفتار در طول زمان استمرار دارد. پس تعریف دقیق از جرم مستمر اینکه جرایمی هستند که رفتار در طول زمان استمرار دارد، بعنوان مثال بزه تصرف عدوانی که فرد ملک دیگری را در اختیار دارد؛ بنابراین به صرف ورود به ملک دیگری تصرف عدوانی محقق نمی‌شود. استمرار نتیجه‌ی جرم موجب تحقق جرم مستمر نمی‌گردد، بطوری که در برخی از جرایم رفتار جرم آنی محقق شده ولیکن نتیجه و اثری که بر رفتار جرم بار می‌شود استمرار دارد، بعنوان مثال تغییر کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها که به صرف تغییر کاربری جرم محقق می‌شود، ولیکن اثر جرم تا زمانی که تغییر کاربری ادامه پیدا می‌کند وجود دارد. پس جرم مستمر جرمی است که صرفاً رفتار جرم در طول زمان تحقق پیدا کند. با توضیحاتی که بیان شد وجه تمایز جرم مرکب از جرم مستمر در این است که جرم مرکب از دو یا چند رفتار که توسط مقنن پیش‌بینی شده محقق می‌شود و بدون تحقق هر یک از رفتارهای مدنظر قانون‌گذار، جرم مذکور قابلیت تحقق ندارد، ولیکن جرم مستمر از یک رفتار تشکیل شده است که آن رفتار چنانچه در مدت‌زمان و به شکل استمرار صورت گیرد تشکیل‌دهنده‌ی جرم مستمر می‌گردد.

۲-۲. ترکیب رفتار و تکرار رفتار

«جرم به عادت جرمی است که مرتکب، رفتارهای مشابهی را مرتکب می‌شود که یک رفتار به تنهایی جرم نیست و قانونگذار آنگاه که این رفتار به مرحله‌ی عادت رسیده باشد، آن را جرم به حساب آورده است» (الهام، برهانی، ۱۳۹۶: ۲۶۶). «هرگاه در توصیف مجرمانه، عادت مرتکب به عملی منظور شده باشد آن جرم را جرم به عادت گویند». (باهری، ۱۳۸۹: ۲۵۹).

«جرم به عادت جرمی است که عنصر مادی آن مستلزم تکرار کامل عملیات مادی همان جرم قبلی می‌باشد. به عبارت دیگر، جرمی است که به دفعات بطور کامل واقع می‌شود. لیکن هیچ یک به تنهایی برای تشکیل جرم کافی نیست و از تجمع آنها جرم تحقق می‌یابد. به بیان دیگر، یک فعل باید چند بار تکرار شود تا جرم واقع شود» (آقایی جنت‌مکان، ۱۳۹۴: ۳۵۱).

. جرم به عادت جرمی است که رفتار هم‌شکل و هم‌سنخ به گونه‌ای تکرار می‌شود که به عادت مرتکب درمی‌آید، اما این رفتارها به تنهایی خطرناک نیستند ولی زمانی که به عادت می‌شود خطرناک می‌شوند، مانند تکدی‌گری. در اینجا ماهیت رفتار، به عادت و تکرار ایجاد می‌شود و ما آن را جرم می‌دانیم. از تعاریف بیان شده، ۳ نکته قابل استنباط می‌باشد که بعنوان ارکان جرم به عادت ضرورت دارند: الف. تکرار رفتار، جرایم به عادت آن‌قدر اهمیت ندارند که یک‌بار ارتکابشان جرم باشد. از این رو، تحقق این جرایم مستلزم تکرار رفتار می‌باشد، ولیکن یک‌بار قابل مجازات است و به بیانی دیگر چند بار ارتکاب جرم تام که یک‌بار قابل مجازات می‌باشد. ب. مشابه بودن رفتارها، یعنی برای تحقق این جرم ضرورت دارد تا همان رفتار سابق و مشابه تکرار شود تا جرم واقع گردد و چنانچه همان رفتار در دفعات بعد تکرار نشود، جرم به عادت تشکیل نمی‌گردد. پ. عادت مرتکب به انجام رفتار، انجام رفتار مشابه و یکسان بصورت مکرر باید تبدیل به عادت مرتکب گردد تا بتوان حکم به تحقق جرم به عادت نمود. از این رو، «تعقیب مرتکب جرم به عادت بعثت ارتکاب فعل در دفعه‌ی آخر نیست، مرتکب جرم به عادت به علت عادت به ارتکاب عمل، تعقیب و مجازات می‌شود» (باهری، ۱۳۸۹: ۲۵۹). وجه تمایز جرم مرکب از جرم به عادت این است که در جرم مرکب رفتارهای شکل‌دهنده‌ی جرم یکسان نمی‌باشند و تحقق هر دو یا چند رفتار کنار هم حتی

برای یک‌بار به ترتیب بیان شده در قانون موجب تحقق جرم مرکب می‌شود، در حالی که در جرم به عادت یک رفتار که شکل دهنده‌ی جرم می‌باشد به دفعات تکرار می‌شود، به نحوی که آن رفتار به عادت فرد تبدیل می‌گردد و به بیانی دیگر جرم به عادت از یک رفتار که توسط مرتکب تکرار می‌شود، شکل می‌گیرد.

۲-۳. ترکیب رفتار و تعدد رفتار

«تعدد جرم عنوان موقعیتی است که یک یا چند جرم ارتکاب یافته ولی محکومیت قطعی صادر نشده باشد و یا یک رفتار مجرمانه ارتکاب یافته ولی چند عنوان مجرمانه بر آن منطبق شده است، لیکن تعدد واقعی وضعیتی است که جرم دوم یا جرایم بعدی در حالتی ارتکاب یابند که جرم اول منجر به محکومیت نشده باشد. بنابراین، در تعدد واقعی با وضعیتی مواجه هستیم که فردی مرتکب چند رفتار مجرمانه شده باشد اعم از آنکه جرایم ارتكابی از یک نوع باشند یا متفاوت باشند» (الهام، برهانی، ۱۳۹۶: ۲۲۲). «برای تحقق تعدد جرم آنچه مهم است تعدد فعل یا ترک فعل است یعنی عنصر مادی جرم باید متعدد باشد خواه این فعل یا ترک فعل از یک جنس باشند، مانند سرقتی که چند مرتبه انجام می‌شود و خواه متفاوت باشند، مانند سرقت و ایراد ضرب و جرح» (زراعت، ۱۳۸۲: ۳۷۰). در تعاریف بیان شده دو نکته نهفته است: اول، تعدد جرم زمانی مطرح می‌شود که متهم بیش از یک جرم را مرتکب شده باشد. دوم، تعدد جرم زمانی صحیح است که در زمان محاکمه‌ی متهم، وی به خاطر هیچ‌ی که از جرایم ارتكابی مذکور، سابقاً محکوم و مجازات نشده باشد. با توضیحات بیان شده وجه تمایز جرم مرکب و تعدد جرم این است که جرم مرکب واجد رفتارهای متعدد می‌باشد که مجموع آن رفتارها و در کنار هم بودن آن رفتارها به ترتیب بیان شده توسط مقنن شکل دهنده‌ی یک جرم مرکب می‌باشند و رفتارهای متعدد در جرم مرکب صرفاً موجب تحقق یک جرم می‌شوند، در حالی که در تعدد جرم ارتكاب رفتارهای متعدد جرم منجر به تحقق جرایم متعدد می‌گردد و شرط تحقق تعدد جرم انجام رفتارهای مجرمانه‌ی متعدد می‌باشد. به بیان دیگر، «در تعدد مفروض این است که شخصی مرتکب چند جرم شود و آن

را نباید اشتباه کرد با وقتی که مواجه می‌شود با چندین عمل مادی که مجموعه‌ی آن جرم واحدی را تشکیل می‌دهد» (علی آبادی، ۱۳۹۲: ۲۵۶).

۳. رابطه بزه مرکب و عنصر ضرر

قانونگذار علیرغم عدم تعریف بزه مرکب در مقرره‌های متعددی این جرم را پیش‌بینی کرده است. در جرایم علیه امنیت، جرایم علیه اعتماد عمومی، جرایم رایانه‌ای و جرایم مالی، این نوع جرم به چشم می‌خورد. از این رو، در ادامه برخی از مصداق‌های جرم مرکب بیان می‌شود و سپس عنصر ضرر در آنها بررسی می‌گردد.

۱- ماده‌ی ۵۱۰ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات): «هر کس به قصد برهم زدن امنیت ملی یا کمک به دشمن، جاسوسانی را که مأمور تفتیش یا وارد کردن هرگونه لطمه به کشور بوده اند شناخته و مخفی نماید یا سبب اخفای آنها بشود به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم می‌شود». همانطور که از ماده برمی‌آید این جرم با ارتکاب دو رفتار مختلف محقق می‌شود؛ اول، شناختن جاسوسان که مأمور تفتیش یا وارد کردن هرگونه لطمه به کشور هستند و دوم، مخفی کردن جاسوسان یا سبب اخفای آنها شدن. مبنای مرکب دانستن بزه مذکور (واو) عطف مابین «شناخته و مخفی نماید» می‌باشد. همانطور که در تعریف جرم مرکب بیان شد رفتارهای شکل‌دهنده‌ی جرم با واو عطف به هم مرتبط می‌شوند. پس تحقق این جرم مستلزم وجود هر دو رفتار بیان‌شده می‌باشد، به نحوی که صرف شناختن جاسوسانی که مأمور تفتیش یا وارد کردن هرگونه لطمه به کشور هستند به تنهایی موجب تحقق رکن مادی این جرم نمی‌شود، بلکه باید بعد از شناخت مبادرت به مخفی کردن جاسوسان یا سبب اخفای آنها بشود تا جرم محقق شود. و نکته‌ی مهم برای تحقق تمامی جرایم مرکب، طولی بودن این رفتارها می‌باشد، به طوری که ابتدا باید جاسوسان را بشناسد و سپس مبادرت به مخفی کردن یا سبب اخفای آنها شود تا جرم مذکور واقع شود و اگر جاسوسان را نشناسد و بدون علم به جاسوس بودن مبادرت به مخفی کردن یا سبب اخفای آنها بشود جرم موضوع ماده‌ی ۵۱۰ محقق نمی‌شود. در ارتباط با ضرر در این جرم می‌توان بیان کرد که تحقق جرم موضوع ماده‌ی ۵۱۰ منوط به ضرر به امنیت ملی نمی‌باشد و عنصر روانی این جرم با قصد برهم زدن

امنیت ملی یا کمک به دشمن محقق می‌شود و قانون‌گذار ضرر را شرط تحقق جرم ندانسته است و در این جرم انجام رفتار مقرر به تنهایی سرزنش‌پذیر بوده و نیاز به تحقق نتیجه که همان ضرر به امنیت ملی می‌باشد، نیست. بنابراین، جرم مذکور، جرم مرکب مطلق می‌باشد که صرفاً با انجام رفتار مقرر محقق می‌شود.

۲- ماده‌ی ۵۳۰ ق.م.ا: «هرکس مهر یا تمبر یا علامت ادارات یا شرکت‌ها یا تجارخانه‌های مذکور در مواد قبل را بدون مجوز به دست آورد و به طریقی که به حقوق و منافع آنها ضرر وارد آورد استعمال کند یا سبب استعمال آن گردد علاوه بر جبران خسارت وارده به دوماه تا دو سال حبس محکوم خواهد شد». استفاد از ماده‌ی قانونی بیان‌شده رفتار مجرمانه از دو قسمت مختلف تشکیل شده است که با کنار هم بودن و مجموع آنها باعث تحقق جرم ماده‌ی مذکور می‌شود. اول، هرکس مهر یا تمبر یا علامت ادارات یا شرکت‌ها یا تجارخانه را بدون مجوز به دست آورد و دوم، به طریقی که به حقوق و منافع آنها ضرر وارد آورد استعمال کند یا سبب استعمال آن گردد. بنابراین، دو رفتاری بودن بزه مندرج در ماده‌ی موصوف بیانگر جرم مرکب می‌باشد. پس صرف بدست آوردن مهر و یا تمبر یا علامت ادارات یا شرکت‌ها یا تجارخانه‌ها بدون مجوز قانونی موجب تحقق رفتار مجرمانه نمی‌گردد و ضرورت دارد تا بخش بعدی ماده‌ی قانونی و رفتار مجرمانه‌ی دوم نیز محقق شود تا بتوان حکم به تحقق بزه نمود. از این رو، جرم مذکور به هر دو رفتارهای بیان‌شده تعلق گرفته و جرمی مرکب است. تحقق جرم منوط به ایجاد ضرر به حقوق و منافع صاحبان مهر یا تمبر یا علامت ادارات می‌باشد، لذا قانون‌گذار بدون وقوع ضرر بزه موصوف را محقق ندانسته است. بنابراین، چنانچه مهر و ... مورد استعمال قرار گیرد، ولیکن ضرر به صاحب مهر وارد نشود، بزه‌ای رخ نداده است. بنابراین، جرم مذکور، جرم مرکب مقید می‌باشد که علاوه بر انجام رفتارهای مادی جرم مطابق قانون، حصول نتیجه که عبارت است از اضرار شرط می‌باشد.

۳- ماده‌ی ۶۱۱ ق.م.ا: «هرگاه دو نفر یا بیشتر اجماع و تبانی بنمایند که علیه اعراض یا نفوس یا اموال مردم اقدام نمایند و مقدمات اجرائی را هم تدارک دیده باشند ولی بدون اراده‌ی خود موفق به اقدام نشوند حسب مراتب به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهند شد». این ماده تعدد رفتار را شرط تحقق جرم تبانی دانسته است. اول، اجتماع و تبانی علیه اعراض

یا نفوس یا اموال مردم و دوّم، تدارک مقدمات اجرائی. پس هر یک از دو رفتار مجرمانه‌ی مذکور به تنهایی موجب تحقّق بزه نمی‌شود. لذا هم اجتماع و تبانی نیاز است و هم تدارک مقدمات اجرائی. پس این جرم مرکب می‌باشد و قانون‌گذار با پیش‌بینی دو رفتار بیان‌شده این موضوع را بیان کرده است. تهیّهی مقدمات اجرایی به معنی شروع به ارتکاب جرم نبوده بلکه یک مرحله قبل از آن است، زیرا برای محکوم کردن کسی به شروع به ارتکاب جرم وی باید از مرحله‌ی تهیّهی مقدمات گذشته و وارد عملیات اجرایی شده باشد (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۷: ۲۶۰). علاوه بر اینکه جرم مذکور دو رفتاری است، باید رفتارهای بیان‌شده در قانون به همان ترتیب قانون و در طول هم محقّق شود تا خود فرد مرتکب این جرم شده باشد. چنانچه بدون اجتماع و تبانی، چند نفر مبادرت به تدارک مقدمات اجرائی نمایند و سپس بعد از مقدمات اجرایی تبانی نمایند، این بزه محقّق نمی‌شود و تبانی باید مقدم بر تهیّهی مقدمات اجرائی باشد. ضرر در تحقّق این جرم نقش ندارد چراکه اساساً علیه اعراض یا نفوس یا اموال مردم جرمی واقع نشده است و قانون‌گذار در ادامه‌ی ماده با اشاره به اینکه «ولی بدون اراده‌ی خود موفق به اقدام نشوند»، تحقّق جرم را منوط به عدم موقّیّت مرتکبین دانسته است. از این رو، جرم ماده‌ی ۶۱۱ جرم مرکب مطلق می‌باشد.

۴- ماده‌ی ۷۴۴ ق.م.ا (ماده‌ی ۱۶ قانون جرایم رایانه‌ای): «هر کس به وسیله‌ی سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، فیلم یا صوت یا تصویر دیگری را تغییر دهد یا تحریف کند و آن را منتشر یا با علم به تغییر یا تحریف منتشر کند، به نحوی که عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد. تبصره- چنانچه تغییر یا تحریف به صورت مستهجن باشد، مرتکب به حداکثر هر دو مجازات مقرر محکوم خواهد شد». رکن مادّی این جرم بعنوان یک جرم علیه شخصیت معنوی از دو رفتار مجزاً و در عین حال در کنار هم شکل گرفته است. اوّل، تغییر یا تحریف فیلم یا صوت یا تصویر دیگری و دوّم، انتشار آن. از این رو، این بزه مرکب است. تغییر و تحریف هر یک بر دو معناست و تغییر تحریف را نیز دربرمی‌گیرد. پس تحریف، چهره‌ای ویژه از تغییر است که به کلّ یک محتوا مانند یک نوشته یا یک فیلم برمی‌گردد. مرتکب تا جایی که محتوای دیگری را تغییر داده یا تحریف نموده، بزه‌ی انجام

نداده است مگر اینکه رفتارش مصداق بزه دیگر مانند تخریب یا جعل باشد. مرتکب پس از تغییر یا تحریف، لازم است تا محتوا را انتشار دهد تا به کیفر پیش‌بینی شده ۱۶ برسد. (عالی‌پور، ۱۳۹۵: ۳۱۵). بخش اول ماده به شرح بیان شده یک بزه مرکب می‌باشد و بخش دوم ماده «یا با علم به تغییر یا تحریف منتشر کند»، یک بزه تک رفتاری و ساده می‌باشد. این بزه مقید به نتیجه است. هر دو حالت رفتاری یعنی تغییر و تحریف و انتشار و نیز انتشار با علم به تغییر و تحریف، باید عرفاً موجب هتک حیثیت گردد. در واقع هتک حیثیت، نتیجه‌ی بزه می‌شود (عالی‌پور، ۱۳۹۵: ۳۱۶). بنابراین، ضرر ناشی از هتک حیثیت برای تحقق این ماده ضرورت دارد. از این رو، این جرم مرکب مقید می‌باشد.

۴. رویارویی ترکیب رفتار و تقید به نتیجه

مشهورترین جرم مرکبی که در حقوق ما از آن نام برده می‌شود جرم کلاهبرداری است. کلاهبرداری از جرایم مرکبی است که رکن مادی آن از اجزاء متفاوت تشکیل شده است و نظر به اینکه برای تحقق آن، حصول نتیجه‌ی مجرمانه لازم است از جمله جرایم مقید است (حبیب‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۴۲). جرم کلاهبرداری از زمره جرایمی است که از چند جزء تشکیل شده که مجموعاً جرم واحدی را شکل می‌دهند. اغفال و فریب قربانی و بردن مال دیگری، اجزای تشکیل‌دهنده‌ی آن است. البته چنین جرایمی را جرایم مرکب نیز می‌گویند (الهی‌منش، مرادی اوجقاز، ۱۳۹۵: ۲۸). جرم کلاهبرداری از نظر عنصر مادی، یک جرم مرکب است که از چهار جزء تشکیل می‌شود (مانورهای متقابلانه+فریب+تحصیل مال+بردن مال) (زراعت، ۱۳۹۳: ۲۱). هرچند استادان حقوق کیفری جرم کلاهبرداری را یک جرم مرکب اعلام نموده اند، در تعداد و نوع اجزاء این جرم مرکب، اختلاف نظر وجود دارد. در این رابطه دو نکته ضرورت دارد که بیان شود: اول، اغفال و فریب قربانی را نمی‌توان بعنوان جزئی از رفتار جرم کلاهبرداری دانست، چراکه اغفال و فریب قربانی رفتار مال‌باخته‌ی جرم می‌باشد و بر اساس دیدگاه ما، رفتارهایی را جزئی از رفتار جرم کلاهبرداری می‌دانیم که توسط مرتکب انجام شود. از این رو، چون اغفال و فریب مال‌باخته از صاحب مال سر می‌زند، بعنوان جزئی از رفتار تشکیل‌دهنده‌ی این جرم نمی‌باشد. دوم، از آنجاکه تحصیل واژه‌ای

عربی و بردن واژه‌ای فارسی است و هر دو دارای یک معنا می‌باشند، تحصیل ناظر بر اسناد پرداختی است که آنها نیز اگر چک، سفته یا از این قبیل باشند باید به مال یا وجه تقویم شوند تا کلاهبرداری تام محقق شود، بنابراین باید گفت تحصیل و بردن در اصل یک رفتار می‌باشند یعنی تحصیل منتهی به بردن می‌شود.

کلاهبرداری یک جرم مرکب است که از دیدگاه ما رفتار آن از دو جزء تشکیل شده است: یکم، اقدام از راه حيله و تقلب. دوم، تحصیل و بردن مال؛ هرچند نظر غالب بر سه جزئی بودن رفتار این بزه بوده و فریب مالباخته هم در همین راستا تبیین می‌گردد، با توجه به اینکه فریب خوردن از مالباخته بروز می‌کند و از مرتکب سر نمی‌زند، در تحلیل حقوقی ما بعنوان جزء اصلی بزه مرکب مورد شناسایی قرار نمی‌گیرد. اولین ویژگی این رفتار در تحقق حيله و تقلب است. حيله و تقلب عبارت است از بیان، اظهار کردن یا نشان دادن یا عرضه‌ی یک امر غیرواقعی به همراه شواهد و مدارک و قرائن، که طیف وسیعی از رفتارها را دربرمی‌گیرد، از دروغ‌های پی‌درپی تا ارائه‌ی اسناد مجعول یا بردن بزه‌دیده به جای مخصوص، آوردن شهود دروغین یا تماس گرفتن با فرد موهوم و رفتارهایی از این قبیل. در کلاهبرداری بعنوان یک جرم مرکب، ابتدا مرتکب باید از راه حيله و تقلب اقدامی کند. تا اینجا جرم کامل نشده و سپس باید تحصیل و بردن نیز محقق شود و این اجزای رفتاری باید در طول هم قرار گیرند؛ یعنی اجزاء به ترتیبی که قانون‌گذار گفته محقق شود و اگر این اجزاء به هم بخورد، جرم محقق نمی‌شود. بنابراین، در جرم کلاهبرداری، بردن در طول اقدام از راه حيله و تقلب است و حتماً ابتدا باید حيله و تقلب صورت گیرد و سپس مال برده شود، که این مسئله از عبارت «از این راه مال دیگری را ببرد» دریافت می‌شود. بر این اساس، کلاهبرداری بر اساس ماده‌ی ۱۴۴ قانون مجازات که در جرایم مقید شرط نتیجه را مقرر کرده، یک بزه مرکب مطلق بوده و در قانون برای این بزه نتیجه‌ای پیش‌بینی نشده است. از این رو، احراز قضایی عنصر نتیجه مانند منفعت مرتکب یا ضرر بزه‌دیده و به همین نحو در رکن روانی این جرم، احراز قصد منفعت یا قصد اضرار ضروری نیست.

۵. بزه مرکب ناقص

بزه ناقص در برابر بزه کامل یا تام قرار دارد. در نظام کیفری ایران، بزه ناقص با توجه به جرم اصلی یا تام سنجیده می‌شود. جرم ناقص مبنای اخلاقی یا مذهبی ندارد؛ زیرا رفتار سرزنش‌پذیر اصلی محقق نشده است تا از زیانبار یا سرزنش‌پذیر بودن آن سخن گفت، ولی مبنای بازدارندگی جرم و خطرناکی مجرم اقتضا دارد که برخی صورت‌های شاخص تحقق جرم اصلی، در صورتی هم که کامل نشود، جرم دانسته شود. این نقص تحقق جرم از تبانی شروع و سپس به شروع به جرم می‌رسد. همچنین ممکن است رفتار محقق شود، ولی به جهت عدم تحقق نتیجه یا نبود موضوع به فراخور بزه عقیم و بزه محال شکل بگیرد.

۵-۱. تبانی

تبانی ناظر به قصد انجام جرم اصلی است که مرتکبان، مراحل اولیه را انجام می‌دهند، ولی به واسطه‌ی یک مانع خارجی که اراده‌ی آنها در آن مدخلیت ندارد نمی‌توانند جرم را انجام دهند. هرچند خود رفتار تبانی نشان‌دهنده‌ی این است که در بیرون یک رفتار محقق شده است. تحقق کلاهبرداری در قالب اجتماع و تبانی ممکن است. این مطلب از توجه به لفظ «اموال» در ماده‌ی ۶۱۱ ق.م.ا.ت دریافت می‌شود؛ به این ترتیب که کلاهبرداری، جرم ضدّ اموال محسوب می‌شود و در نتیجه تبانی برای این جرم می‌تواند موضوع ماده‌ی مذکور باشد؛ البته منوط به چهار شرط که سه شرط آن ایجابی است و یک شرط دیگر سلبی است: ۱. تعدّد مرتکب: دو نفر یا بیشتر باید در وقوع تبانی حضور داشته باشند؛ ۲. تعدّد رفتار: دو رفتار باید صورت گیرد که شامل اول، اجتماع و تبانی (که از باب تفاعل آمده و به معنای بنا را بر چیزی گذاشتن است) و دوّم، تدارک مقدمات اجرائی مانند تدارک دیدن اسناد مجعول یا اشیاء و غیره است. به همین دلیل ماهیت رفتار جرم تبانی مرکب است؛ ۳. تعدّد بزه‌دیده: یکی از موارد چالشی و اختلافی این جرم تعدّد بزه‌دیده است. برخی معتقدند که منظور قانونگذار از آوردن لفظ مردم در این ماده آن بوده که دامنه‌ی شمول این ماده را محدود به حالتی نماید که اجتماع و تبانی بر علیه عده‌ی قابل توجهی از افراد صورت می‌گیرد. یا تعداد این افراد باید به گونه‌ای باشد که اطلاق لفظ مردم بر آنها امکان‌پذیر باشد. بدین ترتیب تبانی

برای ارتکاب جرم علیه فرد خاص، از شمول این ماده خارج است. با این حال، به نظر نمی‌رسد که قانون‌گذار از آوردن لفظ مردم چنین هدفی را دنبال کرده باشد. قانونگذار خواسته است در این ماده تبانی برای ارتکاب جرایم علیه اعضاء، نفوس و اموال مردم را جرم‌انگاری و مجازات کند. در این میان، تعداد افرادی که علیه آنها تبانی صورت می‌گیرد، موضوعیتی ندارد، بلکه مهم نفس تبانی است (سمیعی زنوز، ۱۳۹۱: ۱۰۷). به نظر ما، به دلیل استفاده از الفاظ اعضاء، نفوس و اموال، که جمع مکسر بوده، مراد قانونگذار تعدد بزه‌دیده می‌باشد. این نکته قابل یادآوری است که در مقرره‌های کیفری متضمن جرم‌انگاری، تعابیر جمعی عموماً دلالت نوعی دارند، مانند تعبیر مردم در کلاهبرداری و نیز اکاذیب در نشر اکاذیب ولی تبانی موضوع ماده‌ی ۶۱۱ در اصل جرم‌انگاری مستقل نیست و یک قاعده‌انگاری نسبت به طیف گسترده‌ای از جرایم است. از این جهت، تعبیرهای جمع در این ماده به واقع دلالت بر تعدد موضوع دارد. علاوه بر آن، بر اساس اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری، به این دلیل که این ماده مربوط به جرم‌انگاری در حیطه‌ی مقدمات جرم است، باید حساسیت بیشتری در تفسیر آن به خرج داد. در واقع، لفظ اموال اماره از آن است که قصد بزه‌کاران بردن مال چند نفر است نه صرف یک نفر، بنابراین تعدد بزه‌دیده مطرح است؛ ۴. شرط چهارم اینکه توسط عاملی خارج از اراده نتواند وارد مرحله‌ی عملیات اجرایی شوند و تبانی به مرحله‌ی شروع به جرم هم نمی‌رسد.

۵-۲. شروع به جرم پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرتکب به انجام دادن جرم اصلی نزدیک می‌شود و در آستانه‌ی انجام رفتار جرم است که با وجود یک مانع خارجی محقق نمی‌شود. «حقوق انگلستان در این زمینه ضابطه‌ی «مجاورت» را پذیرفته است، یعنی برای شروع به جرم محسوب شدن، اعمال انجام‌شده باید مجاور جرم تام بوده و تنها یک گام با حصول نتیجه فاصله داشته باشد» (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۷: ۱۰۰). شرایط شروع به کلاهبرداری با شرایط شروع به جرم دارای چند اشتراک و یک تفاوت است. اشتراکات آن شامل سه ویژگی اصلی شروع به جرم است. اول، وجود قصد ارتکاب جرم و قصد بودن مرتکب نسبت به رفتار، و نیز نتیجه در جرایم مقید؛ بنابراین، شروع به جرم

در جرایم غیر عمدی مصداق نخواهد داشت. دوّم، شروع به اجرای جرم که مفهومی عام‌تر از شروع به رفتار است و نباید با آن خلط شود. اجرا با رفتار دو مقوله می‌باشد. اجرا متضمّن این است که مرتکب در صدد انجام رفتار است، اما رفتار محقق نمی‌شود. از این رو، در اجرا اساساً بحث نتیجه‌ی جرم مطرح نیست بلکه صرفاً رفتار جرم مطرح می‌باشد. فرد وارد عملیات اجرائی جرم شده ولیکن موفق به انجام رفتار جرم نشده است. «بنابراین شروع به جرم هم در جرایم مطلق و هم در جرایم مقید قابل تصوّر است» (الهام، برهانی، ۱۳۹۵: ۲۴۵). در جرایم مطلق اساساً جرم فاقد نتیجه می‌باشد، لذا شروع به جرم به معنای عدم تحقّق نتیجه نیست بلکه به لحاظ عبارت قانونی ماده‌ی ۱۲۲ قانون ق.م.ا، «هر کس قصد ارتکاب جرمی کرده و شروع به اجرای آن نماید»، شروع به جرم به معنای عدم تحقّق رفتار جرم می‌باشد. سوّم، وجود عامل خارج از اراده و ویژگی مشترک شروع به جرم و تبانی است؛ در صورتی که انصراف ارادی باشد، شروع به جرم نخواهد بود.

اما تفاوت شروع به کلاهبرداری مربوط به مرکب بودن این جرم می‌باشد. چنانکه بیان شد جرم کلاهبرداری از دو رفتار، اقدام از راه حيله و تقلّب و بردن مال دیگری به وجود می‌آید. بنابراین، شروع به کلاهبرداری حول دو محور می‌چرخد. یکم، جایی که مرتکب رفتار اوّل را انجام داده (اقدام از راه حيله و تقلّب) ولی به واسطه‌ی عامل خارج از اراده موفق به انجام رفتار دوّم (بردن مال) نشده؛ این مورد شروع به جرم واقعی است. دوّم، جایی که قبل از تحقّق رفتار اوّل مرتکب به لحاظ عامل خارج از اراده نتواند رفتار جرم را انجام دهد، که این مورد محل بحث و مناقشه است. دیدگاه حقوقی ما این است که در اینجا شروع به کلاهبرداری محقق نشده است؛ چرا که جرایم مرکب دو رفتاری هستند و ضابطه‌ی مشخصی در این خصوص وجود ندارد و اگر قبل از رفتار اوّل باشد، سبب سلب آزادی‌های فردی و خلاف ماهیت جرم‌انگاری شروع به جرم است. دیگر آنکه در جرایم مرکب معمولاً به خاطر اینکه دو یا چند رفتار در کنار هم قرار می‌گیرند، ارزش جرم‌انگاری دارند. لذا برای شروع به جرم در جراسم مرکب، تحقّق رفتار اوّل و عدم تحقّق رفتار دوّم لازم است. با توجه به اینکه جرم کلاهبرداری، یک جرم مرکب مطلق است؛ لذا بردن بعنوان رفتار دوّم در کلاهبرداری (و نه بعنوان نتیجه) ملاک برای سنجش شروع به جرم خواهد بود.

۵-۳. جرم محال

«جرمی که موضوع آن وجود نداشته باشد را جرم محال نامیده اند. هر جرمی برای تحقق، نیاز به موضوعی دارد؛ زیرا تا موضوعی نباشد که رفتار مجرمانه بر روی آن واقع شود هیچ جرمی در عالم خارج محقق نخواهد شد.» (منصورآبادی، ۱۳۸۲: ۱۰۳). مطابق تبصره‌ی ماده‌ی ۱۲۲ ق.م.ا جرم محال در حکم شروع به جرم است. در مورد جرم کلاهبرداری، اگر مرتکب اقدام از راه حيله و تقلب را انجام دهد و مال را به ظاهر دریافت کند، به علت این میزان از تجرّی که انجام داده رفتار او در حکم شروع به جرم خواهد بود. هر چند دیدگاهی در این خصوص وجود دارد مبنی بر اینکه چون موضوع جرم وجود نداشته اساساً جرمی واقع نمی‌شود. لذا برخی حقوق‌دانان از این جرم، با عنوان جرم وهمی یا ظنی و یا جرم خیالی یاد می‌کنند (فرهودی‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۵۳). بنابراین، جرم محال در کلاهبرداری ناظر به موضوع جرم است (یعنی مال)، یعنی مالی که مرتکب تصاحب می‌کند متعلق به خودش بوده است. بعنوان مثال اگر شخصی با اقدام از راه حيله و تقلب مالی را که پیش از آن به خودش منتقل شده یا ارث رسیده و یا با مانور متقلبانه به سکه‌های تقلبی برسد، جرم محال شکل گرفته است.

در پایان این بحث ضرورت دارد نکته‌ای بیان شود و آن اینکه کلاهبرداری به صورت جرم عقیم ممکن نیست، چرا که در جرم عقیم رفتار جرم انجام می‌شود ولیکن جرم تمام نمی‌شود و تمام نشدن جرم به دلیل عدم حصول نتیجه می‌باشد و چون مشهور است که جرم کلاهبرداری جرم نتیجه و یا مقید می‌باشد، بنابراین، بدون تحقق نتیجه، این جرم واقع نمی‌شود. به بیان دیگر، چون بدون بردن مال دیگری این بزه واقع نمی‌شود، پس جرم عقیم که در آن مرتکب به نتیجه‌ی جرم نمی‌رسد نسبت به بزه کلاهبرداری قابلیت تحقق ندارد. در تحلیل حقوقی ما هم همانطور که بیان شد جرم کلاهبرداری یک جرم مرکب مطلق بود و اساساً در جرایم مطلق که نتیجه‌ای ندارند، جرم عقیم قابلیت تحقق ندارد.

۶. شرکت و معاونت در بزه مرکب

بطور کلی، اگر در جرم عامل وجود داشته باشد، شیوه‌ی مداخله بحث‌برانگیز نیست؛ چون یک عامل یا مباشر است یا مسبب. منظور از بیش از یک عامل یعنی اینکه بیش از یک عامل انسانی مسئول در وقوع جرم حضور دارد. این مداخله‌ی بیش از یک عامل یا در وقوع رفتار بطور مستقیم مطرح می‌شود و یا غیرمستقیم که به ترتیب مقوله‌ی شرکت و معاونت را شامل می‌شود.

۱-۶. شرکت

مداخله‌ی بیش از یک عامل در انجام رفتار چه به صورت مستقیم و چه غیرمستقیم را شرکت می‌گوییم. شرکاء ممکن است مباشر جرم باشند یا مسبب جرم و یا جمع تسبیب و مباشر. در ماده‌ی ۱۲۵ ق.م.ا حضور در عملیات اجرائی از جانب دو یا چند تن، شرکت در جرم تلقی می‌شود. لذا شرکت در جرم قائم به دو ویژگی بنیادی است: اول، تعدد مرتکب، یعنی بیش از یک عامل وجود داشته باشد. دوم، همه عوامل در عملیات اجرائی حضور داشته باشند، به گونه‌ای که تحقق رفتار یا تحقق جرم مستند به همه‌ی آنها باشد. مراد از حضور در عملیات اجرائی، انجام رفتار نیست، بلکه حضور بیش از یک عامل در صحنه‌ی وقوع جرم است. و یکی دانستن حضور در عملیات اجرائی و رفتار مجرمانه در تحقق شرکت، به نظر برداشت صحیحی نباشد. هرچند نظر مخالفی در این زمینه وجود دارد که صرف حضور در صحنه‌ی جرم برای تحقق مشارکت در جرم کافی نیست بلکه بایستی مشارکت در عملیات اجرائی یعنی مشارکت در رفتار مجرمانه تحقق پیدا کند (الهام، برهانی، ۱۳۹۵: ۳۴۷). با لحاظ واژه‌ی «عملیات اجرائی» و نیز عبارت «خواه رفتار هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنها مساوی باشد خواه نباشد»، منظور از دخالت در عملیات اجرائی تحقق دو شرط است: یکم، عوامل مداخله‌کننده در صحنه‌ی تحقق جرم حضور دارند. دوم، قابلیت جابجایی مرتکبین که اگر یک نفر انجام نداد دیگری بتواند انجام دهد.

نکته‌ی قابل توجه همانطور که بیان شده اینکه شرکت در جرم مداخله در عملیات اجرائی است نه مداخله در انجام رفتار؛ مقنن بر اساس ماده‌ی مرقوم تحقق شرکت در جرم را

مداخله‌ی دو یا چند نفر در عملیات اجرائی اعلام نموده است. مداخله در انجام رفتار در جایی مطرح می‌شود که باید مرتکبان خود رفتار را انجام دهند. در این بخش شرکت در جرم به منزله‌ی حضور بیش از یک عامل در انجام رفتار است. اما در مورد مداخله در عملیات اجرائی، شرکت در جرم ملازمه با حضور بیش از یک عامل در عملیات اجرائی به شرح بیان شده دارد.

مقوله‌ی مهمی که در این بخش باید مورد توجه قرار گیرد، مشخص کردن معیار شرکت در جرایم مرکب همچون کلاهبرداری است. مباحث مربوط به شرکت معمولاً حول محور جرایم ساده توضیح داده می‌شوند و شرکت در جرایم مستمر و به عادت و مرکب معمولاً مورد بحث قرار نمی‌گیرد.

از آنجایی که در جرایم مرکب باید بیش از یک رفتار صورت گیرد و شرکت در جرم آنها عبارت است از تحقق رفتاری و تحقق به صورت تبانی، پس اگر دو نفر با تبانی اقدام از راه حيله و تقلب کنند و یکی مال را از بزه‌دیده دریافت دارند، تحقق رفتاری و شرکت در کلاهبرداری می‌شود، لذا برای تحقق شرکت در کلاهبرداری هر دو نفر یا بیشتر باید به تنهایی در یک رفتار جرم مداخله داشته باشند؛ باید اقدام از راه حيله و تقلب توسط هر دو متهم صورت گیرد، ولیکن بردن مال توسط یک متهم صورت گیرد تا شرکت در جرم کلاهبرداری و به تبانی دیگر شرکت در جرم مرکب واقع شود. بنابراین، از دیدگاه ما برای تحقق شرکت دو نفر یا بیشتر با تبانی نسبت به اموال دیگری و با اقدام از راه حيله و تقلب توسط تمام شرکاء و بردن و تصاحب توسط یکی از شرکاء کفایت می‌کند، چراکه علاوه بر تحلیل بیان شده استادان حقوق کیفری انتفاع شخصی مالی مرتکب را شرط تحقق آن ندانسته‌اند. «شرکت در جرم کلاهبرداری که یک جرم مرکب است با شرکت در جرم ساده تفاوت دارد و این شرکت زمانی محقق می‌شود که همه‌ی شرکاء در همه‌ی اجزای جرم شرکت داشته باشند، زیرا عبارت «جرم مستند به عمل همه‌ی آنها باشد» ظهور در این دارد که هر شریکی در تمامی اجزای عنصر مادی شرکت داشته باشد» (زراعت، ۱۳۹۳: ۵۰). البته نظر مخالف نیز وجود دارد که «دخالت در برخی اجزای جرم مرکب نیز شرکت در جرم محسوب می‌شود» (آزمایش، بی تا: ۲۷). «یکی از مصادیق مشارکت در جرم، در خصوص

جرایم مرکب که امکان تحقق دارد زمانی است که عنصر مادی جرم از اجزای مختلفی تشکیل شده است و هر یک از شرکاء بخشی از آن را انجام می‌دهند، بعنوان مثال اگر چند نفر به وسایل متقلبانه جهت فریب دیگری تمسک جویند و برخی دیگر اموال را از شخص فریب‌خورده دریافت نمایند، تمامی این افراد شریک در جرم محسوب می‌شوند. (الهام، برهانی، ۱۳۹۵: ۳۴۹).

۶-۲. معاونت

شخصی که مداخله در کمک به انجام رفتار می‌کند و در پشت صحنه قرار دارد، یعنی در اجرای جرم یا انجام رفتار جرم حضور ندارد، با دو شرط وحدت قصد و اقتران زمانی بین رفتار خود و مرتکبین جرم اصلی معاون محسوب می‌شود. در ارتباط با معاونت در کلاهبرداری سه نکته قابل ذکر است: اول، بر اساس بند ب ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی ممکن است معاون جرم در کلاهبرداری مرتکب جرم مستقل دیگری شده باشد؛ چون مرتکب کلاهبرداری ممکن است در اقدام از راه حيله و تقلب عموماً از وسایل متقلبانه مثل اسناد ساختگی و مجعول استفاده کند، مانند جعل برای کلاهبرداری. دوم، در قسمتی از بند الف ماده ۱۲۶ قانون مرقوم یعنی عبارت «یا با دسیسه یا فریب موجب وقوع جرم گردد»، الفاظی مشاهده می‌شود که با الفاظ اقدام از راه حيله و تقلب در کلاهبرداری شباهت دارد. معاون ممکن است با دسیسه یا فریب سبب وقوع کلاهبرداری شود ولی کلاهبردار نخواهد بود؛ این قسمت ناظر به جایی است که معاون دسیسه می‌کند یا فریب می‌دهد و در اصل زمینه‌سازی می‌کند تا کسی کلاه دیگری را بردارد، یعنی این فریب دادن به منزله‌ی این نیست که به واسطه‌ی آن مالی به دست بیاورد، بلکه فریب دادن به منزله‌ی این می‌باشد که این شخص از فریب‌داری استفاده کند و آن افراد را موضوع کلاهبرداری قرار دهد. لذا دسیسه و فریب در اینجا ارتباط مستقیم با بزه‌دیده ندارد، بلکه زمینه‌ی ارتکاب کلاهبرداری توسط دیگری را ایجاد می‌کند، لذا معاون نامیده می‌شود؛ برای مثال، در جایی که شخص با فریب یا دسیسه شخصی را از امور واهی مانند گرانی در بورس و گرانی زمین فریب دهد و فردی را به کلاهبرداری وسوسه کند که در این صورت معاونت است. بنابراین، فریب یا دسیسه در

معاونت برای ایجاد زمینه جهت وقوع جرم توسط دیگری است نه تحصیل مال. سوّم، معاونت در یک جرم مرکب ممکن است در رفتار اوّل یا هر دو رفتار با هم محقق شود، ولی معاونت اگر صرفاً در رفتار دوّم باشد، سبب تحقق معاونت در کلاهبرداری نمی‌باشد، به دو دلیل: ۱. قید اقتران زمانی و تقدّم ملازمه دارد با اینکه معاون همزمان با تحقق رفتار یا پیش از آن رفتار کند، در صورتی که اگر معاونت صرفاً در رفتار دوم (بردن مال) باشد، یک اقدام مؤخّر محسوب می‌شود که به صرف آن شروع در کلاهبرداری محقق نمی‌شود.

مهم‌ترین جزء و آنچه به صورت مباشرتی واقع می‌شود اقدام از راه حيله و تقلّب می‌باشد که اساس جرم را تشکیل می‌دهد؛ هنگامی که معاون در این بخش دخالتی نداشته باشد در واقع یک معاون خیلی ضعیف و نادیدنی محسوب می‌شود. بنابراین، تحقق معاونت در کلاهبرداری با دخالت در رفتار نخست (اقدام از راه حيله و تقلّب) و یا دخالت در هر دو رفتار (اقدام از راه حيله و تقلّب و بردن مال) محقق می‌شود و چنانچه دخالت شخص مؤخّر بر رفتار نخست و صرفاً دخالت در رفتار دوّم (بردن مال) باشد معاونت شکل نمی‌گیرد. مانند جایی که شخصی دیگری را بفریبید و قرار بر دریافت مال از بزه‌دیده به نحو ریالی باشد و دیگری پس از آگاهی از این فریب، مرتکب را تحریک به بردن مال به صورت ارز خارجی کند.

۷. رکن روانی بزه مرکب

بحث عنصر روانی بر قصد در رفتار متمرکز است. در بزه مرکب همانطور که بیان شد عنصر مادّی آن از رفتارهای متعدد تشکیل می‌شود. بحثی که تا کنون کمتر به آن پرداخته شده این است که آیا مرتکب بزه مرکب در هر دو رفتار باید قاصد باشد یا یکی کفایت می‌کند. بعنوان مثال، در بزه کلاهبرداری که عنصر مادّی آن از دو رفتار تشکیل شده فرضاً مانور متقلبانه به کار برده ولی مال مورد نظر را اشتباهاً برداشته یا دریافت کرده که برای رفتار اوّل قاصد است ولی دوّمی غیر قاصد. در اینجا عنصر روانی چه وضعیتی پیدا می‌کند؟ به نظر می‌رسد در بحث عنصر روانی بزه‌های مرکب باید قاصد بودن مرتکب را نسبت به تمامی رفتارهای مندرج در قانون برای آن بزه در نظر گرفت و صرف قصد ارتکاب جرم در یک رفتار موجب

پیوند رفتار و عنصر ضرر در بزه مرکب، چالش‌های تعیین قانونی و...؛ محمد علیخانی و دیگران | ۲۳۳ |

تحقق عنصر روانی آن بزه نمی‌شود. در این مثال مذکور مرتکب هم باید در مانور متقالبانه قاصد باشد و هم در بردن مال و بردن مال دیگری اشتباً یا دریافت کردن آن از روی اشتباه موجب تحقق عنصر روانی بزه نمی‌شود. این حالت با فرضی که مرتکب دیگری را بفریبد و بزه‌دیده با درخواست یا التماس وجه را خود حتی زودتر از موعد مقرر یا بیشتر از مبلغ مورد نظر مرتکب واریز کند فرق دارد. در این حالت، کلاهبرداری محقق شده و رکن روانی کامل است؛ زیرا بزه‌دیده‌ی جاهل، در واقع رفتار بردن را از جانب مرتکب نمایندگی می‌کند.

۸. رویه‌ی قضایی درباره‌ی تمییز رفتار و عنصر ضرر در بزه مرکب

در رویه‌ی قضایی تفاوتی مابین بزه مرکب و بزه ساده در رابطه با رفتار جرم و عنصر ضرر به چشم نمی‌خورد. معمولاً در آراء صادره نسبت به بزه مرکب رفتارهای مادی شکل‌دهنده تشریح و به تفکیک مورد ارزیابی و اظهار نظر قضایی قرار نمی‌گیرد. در حالی که رکن مادی بزه مرکب از دو رفتار غیرهمسان و در کنار هم تشکیل می‌گردد و برای تحقق ضرورت دارد که رابطه‌ی طولی که در متن ماده مقرر شده رخ دهد تا بزه واقع شود. غالب آراء چنین وضعیتی دارند.

به موجب دادنامه‌ی شماره‌ی ۹۸۰۹۹۷۰۲۲۲۲۰۱۷۲ مورخ ۱۳۹۸/۲/۲۸ صادره از شعبه‌ی ۲۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران^۱ تجدیدنظرخواهان‌ها از بابت اتهام مشارکت در

۱. «تجدیدنظرخواهی ... نسبت به دادنامه به شماره‌ی ۹۰۰۰۰۱ مورخ ۹۷/۱/۲۰ صادره از شعبه‌ی ۱۱۷۹ دادگاه کیفری دو تهران که به موجب آن ... به اتهام مشارکت در کلاهبرداری به تحمل پنج سال حبس تعزیری و متضامناً به رد مال در حق تجدیدنظرخواندگان و پرداخت جزای نقدی معادل وجوه دریافتی به صندوق دولت محکوم شده اند با عنایت به محتویات پرونده و اینکه تجدیدنظرها دلیل و مدرکی که موجب خدشه بر اساس دادنامه باشد ارائه نکردند، لذا دادگاه با رد تجدیدنظرخواهی مستنداً به ماده‌ی ۴۵۷ قانون آیین دادرسی کیفری و اصلاح میزان رد مال ... و اصلاح مسئولیت تجدیدنظرخواهان‌ها در رد مال از تضامنی به تساوی در حق تجدیدنظرخواندگان و اعمال ماده‌ی ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی صرفاً جهت اجرای مجازات اشد در خصوص تجدیدنظرخواهان‌ها با رعایت بیشترین وجه دریافتی از تجدیدنظرخواندگان بعنوان جزای نقدی به صندوق دولت با احتساب ایام بازداشت قبلی و تذکره به دادگاه بدوی دادنامه تجدیدنظرخواسته را به نحو مذکور اصلاح و تأیید می‌نماید. رأی صادره قطعی است.»

کلاهبرداری محکوم شده اند. در رای مذکور هم بحث بزه کلاهبرداری و هم بحث شرکت مطرح می‌باشد. بر اساس دیدگاه ما بزه کلاهبرداری از دو رفتار اقدام از راه حیله و تقلب و بردن مال دیگری تشکیل می‌شود. همانطور که ملاحظه می‌کنید این دو رفتار در رأی تشریح نشده و دادنامه متذکر این رفتارها نیست. نکته‌ی دیگر اینکه در همین رأی بحث شرکت در بزه کلاهبرداری و چگونگی تحقق شرکت مورد ارزیابی قرار نگرفته است. اینکه شرکاء باید هر دو رفتار را انجام دهند یا اینکه یک رفتار هم موجب تحقق شرکت می‌شود حائز اهمیت است.

در رأی دیگر به موجب دادنامه‌ی شماره‌ی ۹۹۰۹۹۷۰۲۲۳۹۰۳۶۴۱ مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۳ صادره از شعبه‌ی ۳۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران^۱ علی‌رغم تجدیدنظرخواهی شاکی پرونده در رابطه با نقش متهم ردیف دوم و اعتقاد به شریک بودن وی در تحقق بزه موضوع پرونده با شناسایی نقش وی بعنوان معاون تعیین کیفر شده است. در رأی مذکور گرچه دادگاه به عموم ادله‌ی ابرازی در زمینه‌ی نقش هر دو متهم در بردن مال شاکی توجه داشته ولی این ادله را در زمینه‌ی شرکت در کلاهبرداری مستند و مستدل نکرده است. توضیح آنکه به جهت شباهت کلاهبرداری و انتقال مال غیر و نیز به این دلیل که مجازات انتقال مال غیر بر اساس مجازات کلاهبرداری تعیین می‌شود، این دو بزه گاهی به اشتباه به جای همدیگر به کار برده می‌شوند، در حالی که هم مرز شفاف‌ی میان این دو بزه است و هم از جهت عناصر تشکیل دهنده آثار متفاوتی بر هر دو بار است. کلاهبرداری جرمی مرکب از دو رفتار اقدام

۱. «در خصوص تجدیدنظرخواهی ... نسبت به دادنامه‌ی شماره‌ی ۹۰۰۱۶۶۹ مورخ ۹۹/۸/۲۴ صادره از شعبه‌ی ۱۰۷۷ دادگاه کیفری دو تهران که به موجب آن ... به تحمل چهار سال حبس و پرداخت سی و پنج میلیون ریال جزای نقدی و همین مقدار در حق شاکی ... به اتهام انتقال مال غیر در حکم کلاهبرداری محکوم گردیده و آقای ... نیز به اتهام معاونت در بزه مذکور به دو سال حبس تعزیری درجه‌ی ۶ و پرداخت هشتاد میلیون ریال جزای نقدی در حق صندوق دولت محکوم گردیده است، با عنایت به محتویات پرونده و ملاحظه‌ی لایحه تجدیدنظرخواهی و ملاحظه‌ی اظهارات هر یک از تجدیدنظرخواهان ... و با توجه به اینکه تحصیل مال موضوع کلاهبرداری توسط متهم ... صورت گرفته ... و نظر به اینکه در مجموع ایراد و اعتراض موجه و مؤثری به عمل نیامده و ... به استناد بند الف ماده‌ی ۴۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری ضمن رد تجدیدنظرخواهی دادنامه‌ی تجدیدنظرخواسته را عیناً تایید می‌نماید.»

از راه حيله و تقلب و بردن مال است، ولی انتقال مال غير بزه‌ی ساده در قالب انتقال دادن است. موضوع کلاهبرداری مالی است که مرتکب پس از حيله و تقلب بر آن مسلط می‌شود، ولی در انتقال مال غير مالی است که مرتکب مسلط بر آن بوده و آن را به شخص دیگری منتقل می‌کند. با توجه به این دو ویژگی شرکت در هر دو جرم کاملاً با هم متفاوت است. شرکت در کلاهبرداری مداخله‌ی شرکاء در هر یک از دو جزء رفتاری یا هر دو جزء است و شرکت در انتقال مال غير شرکت دو تن یا بیشتر در انتقال دادن مال دیگری است یا شرکت انتقال‌دهنده و انتقال‌گیرنده‌ی آگاه به تعلق مال به غير.

در رأی دیگر به موجب دادنامه‌ی شماره‌ی ۱۷۵۳/۲۲۲۳۰۲۲۲۳۰۹۹۰۹۹۷ مورخ ۱۳۹۹/۹/۹ صادره از شعبه‌ی ۲۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران^۱ هرچند اجزاء رکن مادی بزه کلاهبرداری بیان و تا حدودی تشریح شده که یک امر مثبت در رای نویسی می‌باشد، ولیکن فریب مالباختگان بعنوان جزئی از رفتارهای شکل‌دهنده‌ی عنصر مادی تعیین گردیده است، در حالی که همانطور که بیان شد فریب مالباخته در تحقق جرم نقش داشته، ولی آن را نمی‌توان بعنوان جزئی از رفتارهای بزه کلاهبرداری دانست، چرا که این رفتار توسط صاحب مال انجام می‌شود و رفتاری را باید جزء رفتارهای این بزه شناخت که توسط مرتکب انجام گرفته باشد. بنابراین، دو رفتار اقدام از راه حيله و تقلب و بردن مال دیگری شکل‌دهنده‌ی رکن مادی بزه مرکب کلاهبرداری می‌باشند.

۱. «در خصوص تجدیدنظرخواهی ... نسبت به دادنامه‌ی شماره‌ی ۴۵۱ مورخ ۹۹/۴/۲۸ در پرونده‌ی کلاسه ۹۹۰۰۱۱۸ صادره از شعبه‌ی ۱۰۲۶ دادگاه کیفری دو تهران ... در رابطه با شکایت ... دایر بر کلاهبرداری به تحمل دو سال حبس تعزیری و پرداخت مبلغ ۵۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال بعنوان جزای نقدی در حق صندوق دولت و رد مال به شاکیان محکوم شده است. دادگاه با امعان نظر در محتویات پرونده نظر به اینکه اولاً محتویات پرونده حکایت از امیدوار کردن شاکیان توسط تجدیدنظرخواه به امور غير واقع اخذ وام را دارد، ثانیاً پرداخت وجه از طرف شاکیان با عنایت به اقدام از راه حيله و تقلب تجدیدنظرخواه و فریب نامبردگان بوده است، ثالثاً رکن ضرری که نتیجه‌ی عنصر مادی بزه کلاهبرداری می‌باشد در پرونده محقق شده است، به طوری که هر کدام از شاکیان مبلغی را به نامبرده پرداخت نموده اند، نتیجتاً ارکان بزه کلاهبرداری تماماً محقق شده است ... لذا با استناد به بند الف ماده‌ی ۴۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری ضمن رد تجدیدنظرخواهی دادنامه‌ی تجدیدنظرخواسته عیناً تایید و استوار می‌گردد. این رأی قطعی است.»

نتیجه

بزه مرگب به اعتبار پیوستگی طولی دو یا چند رفتار برای تحقق عنصر رفتاری یک بزه شناخته می‌شود. تعبیر «پیوستگی طولی دو یا چند رفتار» سنجش‌ای مناسب برای مرزبندی بزه مرگب با دیگر نهادهای همسان است. قید رفتار که متضمن اقدام فعلی یا ترک فعلی مرتکب است، بزه مرگب را از بزه مقید جدا می‌کند. در بزه مرگب، مرتکب باید دو یا چند رفتار را مباشرتاً یا به تسبیب انجام دهد، مانند کلاهبرداری که مرتکب ابتدا رفتار اقدام از راه حيله و تقلب را غالباً به صورت مباشرت و سپس رفتار بردن مال را به صورت تسبیب از طریق یک بزه‌دهنده که مباشر جاهل است انجام می‌دهد. همچنین در بخش مرگب بزه موضوع ماده‌ی ۷۴۴ فصل جرایم رایانه‌ای از کتاب تعزیرات، مرتکب ابتدا باید رفتار تحریف یا تغییر را انجام دهد و سپس رفتار دوم یعنی انتشار را. در حالی که در بزه مقید، نتیجه معلول رفتار مرتکب است و مرتکب نقش مباشرتی یا تسبیبی در ایجاد نتیجه ندارد؛ بلکه نتیجه به واسطه‌ی عمل مرتکب در محیط بیرون واقع می‌شود. از این رو، باید میان تسبیب رفتاری و تسبیب غایی یا نتیجه‌ای فرق گذاشت. تسبیب رفتاری به معنای انجام رفتار از سوی یک عامل غیرمسئول است ولی تسبیب غایی یعنی ایجاد زمینه برای ظهور یک معلول یا نتیجه است. بنابراین، ممکن است که گفته شود مسبب نتیجه مرتکب است ولی این تسبیب در معنای رفتاری نیست، بلکه در معنای غایی یا اتصالی است که نشان‌دهنده‌ی وجود رابطه‌ی استناد میان رفتار و نتیجه است. بدین صورت در بزه مرگب کلاهبرداری، نتیجه‌ای از سوی قانونگذار پیش‌بینی نشده ولی در بزه مرگب تغییر محتوا و انتشار موضوع ماده‌ی ۷۴۴، هتک حیثیت بعنوان نتیجه ذکر شده است. نتیجه‌ی مقرر در قانون مانند هتک حیثیت معلول رفتار است و ممکن است حادث شود یا نشود. از این رو، بزه مرگب که متضمن انجام مباشرتی یا تسبیبی رفتارها از سوی مرتکب است از بزه مقید که نتیجه عنصری جدا از عمل مرتکب و پیامد آن به شمار می‌رود جدا می‌شود.

بزه مرگب به جهت شکل‌گیری از دو یا چند رفتار با ماهیت متفاوت از بزه اعتیادی که از تکرار رفتارهای همجنس شکل می‌گیرد جدا می‌شود، همچنانکه همین ماهیت جداگانه‌ی

دو یا چند رفتار سبب می‌شود تا از بزه مستمر که از یک رفتار تداوم یافته در طول زمان است متمایز گردد. بزه مرکب غالباً از دو یا چند رفتاری که هر یک ماهیتاً دارای وصف کیفری نیستند شکل می‌گیرد و چون با «واو عطف» میان دو یا چند رفتار در متن قانون برجسته می‌شود، از تعدد مادی بزه که از دو یا چند رفتار جدا شکل گرفته فاصله می‌گیرد. با این حال، اگر یکی از رفتارهای بزه مرکب خود ماهیتاً جرم باشد، مانند استفاده از سند مجعول در مقام رفتار اول کلاهبرداری یعنی اقدام از راه حيله و تقلب، در اینجا تعدد بزه شکل می‌گیرد. تعدد میان بزه مرکب و بزه ساده هرگز تعدد معنوی نخواهد بود؛ زیرا میان یک بزه تک رفتاری و یک بزه دو یا چند رفتاری تعدد معنوی برقرار نمی‌شود. تعدد معنوی با تاکید بر «رفتار واحد» ناظر به بزه‌هایی است که ماهیت رفتاری آنها همسان است. پس اگر شخصی با استفاده از سند مجعول مال دیگری را ببرد چون کلاهبرداری از دو رفتار شکل می‌گیرد، در اینجا تعدد مادی میان استفاده از سند مجعول و کلاهبرداری خواهد بود. نه تعدد معنوی؛ زیرا کنش عددی مرتکب در اینجا ملاک است؛ در حالی که مرتکب در بزه مرکب دو یا چند بار از خود رفتار بروز می‌دهد ولی در بزه ساده تنها یک رفتار انجام می‌دهد.

بزه مرکب در دیگر نهادهای مرتبط با حقوق کیفری عمومی نیز احکام جداگانه‌ای دارد؛ هر چند که قانون در این زمینه خاموش است ولی این احکام می‌توانند با پویایی رویه‌ی قضایی برجسته شوند. در شروع به بزه مرکب، مرتکب باید ضرورتاً رفتار نخست را انجام دهد ولی با ظهور مانع بیرونی نمی‌تواند رفتار دوم را انجام دهد؛ در حالی که در شروع به بزه‌های ساده، اساساً رفتار بزه محقق نمی‌شود. اینکه گاه گفته می‌شود مرتکب در شروع به بزه، بخشی از رفتار را انجام می‌دهد و بخش دیگر با ظهور مانع خارجی محقق نمی‌شود درباره‌ی بزه‌های مرکب و مستمر راست است نه برای بزه‌های ساده. در بزه‌های ساده، مرتکب در آستانه‌ی انجام رفتار است ولی مانع خارجی اجازه‌ی تحقق آن تک رفتار را نمی‌دهد. در شرکت در بزه مرکب، شرکای جرم هم می‌توانند در همه‌ی رفتارها حضور داشته باشند و هم اینکه با تبانی انجام رفتارها را میان خود تقسیم کنند. تعبیر «عملیات اجرایی» در ماده‌ی ۱۲۵ دلالت بر همین امر دارد که ضرورت ندارد شرکاء عین هم در انجام رفتار حضور داشته باشند و این گزاره برای جرایم ساده نیز راست است ولی در بزه مرکب، برای اینکه شریکی رفتار نخست

و شریک دیگر رفتار دوّم را انجام دهد، وجود تبانی یا وحدت قصد ضرورت پیدا می‌کند که اگر نباشد شرکت در بزه مرکب محقق نخواهد شد. در معاونت در بزه مرکب نیز معاون باید در هر دو رفتار یا در رفتار نخست همکاری کند ولی اگر در رفتار دوّم یا رفتارهای پس از رفتار اوّل حضور یابد، به دشواری می‌توان معاونت در بزه را پذیرفت.

بزه مرکب موضوعی بسیار مهم در حقوق کیفری عمومی ولی پنهان از دید قانونگذار و رویه‌ی قضایی است. نپرداختن قانونگذار به بزه مرکب تا اندازه‌ای قابل توجیه است؛ زیرا ماهیت رفتارهای مجرمانه به اندازه‌ای نسبی و اختلاف‌انگیز است که مقنن نمی‌تواند تعریفی واضح از بزه‌های مرکب، مستمر، ساده، به عادت و همین‌طور بزه مقید و مطلق ارائه دهد. افزون بر این، دسته‌بندی‌های بسیار بیشتری بر اساس رفتار بزه از سوی حقوقدانان ارائه می‌شود. ولی نمی‌توان از آثار حقوقی این عنوان‌ها بویژه در رویه‌ی قضایی گذشت. بزه مرکب چون ماهیتی کاملاً متفاوت با جرایم معمول دارد که ساده و تک رفتاری اند، نیاز به تفسیر و احراز قضایی متفاوتی خواهد داشت، به گونه‌ای که یک مقام قضایی باید در گام نخست بداند بزه‌هایی مانند مرکب یا مستمر در بادی امر خطرناکی کمتری نسبت به بزه‌های ساده و تک رفتاری دارند. از این رو، بزه‌نگاری با پیش‌بینی رفتار به صورت مرکب در اصل به سود مرتکب است و به ضرر مقام قضایی که نیاز است بیش از یک رفتار را برای انتساب بزه به مرتکب احراز کند. در گام دوّم، بزه مرکب چنانکه از عنوانش برمی‌آید یک بزه رفتارمحور است و در شناخت این جرم، پیوند دو یا چند رفتار بر دیگر عنصرهای رکن مادی اولویت دارد. دلیل این امر، تمرکز قانون بر رابطه‌ی طولی دو یا چند رفتار برای ساختن یک بزه است و نتیجه در اینجا محوریت ندارد. لذا تا زمانی که قانون‌گذار به صراحت نتیجه‌ای برای بزه مرکب پیش‌بینی نکرده باشد، بزه مطلق خواهد بود. این قرینه به ما کمک می‌کند تا مرز میان رفتار دوّم یا رفتارهای بعدی بزه مرکب با نتیجه را مشخص کنیم. در گام سوّم، مقام قضایی باید درباره‌ی قواعد عمومی جرم بویژه شروع به جرم، شرکت و معاونت در جرم به احکام متفاوت بزه مرکب توجه کند؛ همچنانکه درباره‌ی تعدّد نیز مرکب بودن یک بزه می‌تواند جستارهای جداگانه‌ای را پیش بکشد. بنابراین، دستاورد این نوشتار تأکید بر جایگاه قضایی حقوق جزای عمومی افتراقی نسبت به بزه مرکب است. اگرچه از برخی ابعاد شکلی

پیوند رفتار و عنصر ضرر در بزه مرکب، چالش‌های تعیین قانونی و...؛ محمد علیخانی و دیگران | ۲۳۹ |

مانند حاکمیت قانون در زمان و صلاحیت درباره‌ی بزه مرکب دیدگاه‌هایی بیان شده ولی تاکنون از بعد ماهوی و ضرورت احراز افتراقی عناصر و احکام بزه مرکب پیشینه‌ای نداشته و این دستاورد می‌تواند مسیری علمی و تحلیلی و البته عادلانه‌تر از پیش را برای بررسی و احراز قضایی بزه مرکب پیش رو نهد.



Abolfazl Mohamad Alikhani  <http://orcid.org/0000-0002-6954-2831>

Hassan Alipour  <http://orcid.org/0000-0003-0119-8437>

منابع

الف) فارسی

- اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۸۵). حقوق جزایی عمومی، جلد اول، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات میزان.
- آزمایش، علی. (بی تا). جزوه‌ی حقوق جزای اختصاصی دو، جرایم علیه اموال و مالکیت، دانشگاه تهران.
- آقای جنت مکان، حسین. (۱۳۹۴). حقوق کیفری عمومی، جلد یکم، چاپ دوم، تهران، نشر جنگل.
- الهام، غلامحسین، برهانی، محسن. (۱۳۹۵). درآمدهای بر حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ سوم، تهران، انتشارات میزان.
- الهام، غلامحسین، برهانی، محسن. (۱۳۹۶). درآمدهای بر حقوق جزایی عمومی، واکنش در برابر جرم، جلد دوم، چاپ سوم، تهران، انتشارات میزان.
- الهی منش، محمد رضا، مرادی اوچقاز، محسن. (۱۳۹۷). حقوق کیفری اختصاصی ۲، جرایم علیه اموال و مالکیت، چاپ پنجم، تهران، انتشارات مجد.
- اهری، محمد. (۱۳۸۹). نگرشی بر حقوق جزای عمومی (تقریرات میرزا علی اکبر داور)، چاپ سوم، تهران، نشر مجد.
- حبیب زاده، محمدجعفر. (۱۳۹۵). حقوق جزای اختصاصی، جرایم علیه اموال، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات سمت.
- خالقی، علی. (۱۳۹۴). آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ سی و یکم، تهران، انتشارات شهر دانش.

پیوند رفتار و عنصر ضرر در بزه مرکب، چالش‌های تعیین قانونی و...؛ محمد علیخانی و دیگران | ۲۴۱ |

زراعت، عباس. (۱۳۸۲). شرح قانون مجازات اسلامی، بخش کلیات، حقوق جزایی عمومی، چاپ سوم، تهران، انتشارات ققنوس.

زراعت، عباس. (۱۳۹۳). حقوق جزای اختصاصی ۲، جرایم علیه اموال و مالکیت، چاپ دوم، تهران، انتشارات جنگل.

زراعت، عباس. (۱۳۸۶). حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، انتشارات فردوسی.

سمیعی زنوز، حسین. (۱۳۹۱). تبانی در حقوق کیفری ایران و انگلستان، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر.

عالی پور، حسن. (بی تا). جزوه‌ی حقوق جزای اختصاصی، جرایم علیه اموال، دانشگاه تهران، پردیس فارابی، بی جا.

عالی پور، حسن. (۱۳۹۵). حقوق کیفری فناوری اطلاعات، چاپ چهارم، تهران، انتشارات خرسندی.

علی آبادی، عبدالحسین. (۱۳۹۲). حقوق جنائی، جلد اول، چاپ پنجم، تهران، انتشارات فردوسی.

علی آبادی، عبدالحسین. (۱۳۹۲). حقوق جنائی، جلد دوم، چاپ سوم، تهران، انتشارات فردوسی.

فرهودی نیا، حسن. (۱۳۸۸). جرایم ناقص، به نقل از: فتحی، محمدجواد؛ چنگایی، فرشاد؛ رهدارپور، حامد، «تحدید قلمرو جرم محال»، حقوق اسلامی، سال دهم، شماره ۳۷.

محسنی، مرتضی. (۱۳۷۵). دوره‌ی حقوق جزای عمومی، پدیده‌ی جنایی، جلد دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش.

لوترمی، لورانس، کلب، پاتریک. (۱۳۹۵). بایسته‌های حقوق کیفری عمومی فرانسه، ترجمه: محمود روح‌الامینی، چاپ دوم، تهران، انتشارات میزان.

منصورآبادی، عباس. (۱۳۸۲). «موضوع جرم درباب جرایم علیه اموال»، اندیشه‌های حقوق، قم، پردیس فارابی دانشگاه تهران.

میرمحمدصادقی، حسین. (۱۳۹۷). حقوق کیفری اختصاصی ۲، جرایم علیه اموال و مالکیت، چاپ پنجاه و دوم، تهران، انتشارات میزان.
میرمحمدصادقی، حسین. (۱۳۹۷). جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ سی و ششم، تهران، انتشارات میزان.

(ب) انگلیسی

References

- Ardabili,M.(2015).General criminal Law, first volume, twelfth edition, Tehran, Mizan publications.[in Persian]
- Azmaesh, A.Handbook of special criminal law, offence against property and ownership, university if Tehran.[in Persian]
- AghaeiJannetMakan, H.(2014).General criminal law, first volume, second edition, Tehran, Jungle publications.[in Persian]
- Elham, GH .Burhani, M. (2016).Introduction to General Criminal Law, volum1, Third Edition, Tehran, Mizan publications.[in Persian]
- Elham,GH.Burhani,M.(2017). Introduction to General Criminal Law, volum2, Third Edition, Tehran, Mizan publications.[in Persian]
- Ahari,M.(2008). Aperspective on general criminal law (Mirza Ali Akbar Davar remarks),third edition,Tehran,Majd publications.[in Persian]
- Habibzadh,M.(2015).Special criminal law ,property crimes,11th edition, Tehran, Semit publications.[in Persian]
- KHaleghi,A.(2014).Criminal Procedure Code,volume2,print 31,Tehran,Shahr Danesh publications.[in Persian]
- Zaret,A.(2003).Description of the Islamic Penal code,general section,general criminal law,third edition,Tehran,Phoenix Publications.[in Persian]

-Zeraat,A.(2013).Special criminal law 2,crimes against property and ownership,second edition,Tehran, Jungle Publications.

-Zeraat,A.(2008).General Criminal Law,first volume,fourth edition,Tehran,Ferdowsi Publications.

-Samii Zenouz,H.(2012).Collusion in the Criminal Laws of Iran and England,first edition,Tehran,Justice Press.

_Aalipour,H.Special Penal Law Handbook,Crimes Against Property,University of Tehran,Farabi Pardis,Bija,Bita.

_Aalipour,H.(2015) Information Technology Criminal Law,4th edition,Tehran, Khorsandi Publications.

_Aliabadi,A.(2012) Criminal Law,first volume,fifth edition,Tehran,Ferdowsi Publications.

_Aliabadi,A.(2012) Criminal Law,second volume,third edition,Tehran,Ferdowsi Publications.

_Farhoudnia,H.(2008),incomplete crimes quoted by:Fathi,M.Chengai,F.Rahdarpour,H.Delimitation of the territory of impossible crime,Islamic law,10 th year,number

استناد به این مقاله: محمدعلی خانی، ابوالفضل؛ عالی‌پور، حسن و الهی‌منش، محمدرضا. (۱۴۰۲). پیوند رفتار و عنصر ضرر در بزه مرکب، چالش‌های تعیین قانونی و احراز قضایی با تأکید بر بزه کلاهبرداری، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۱۱(۴۲)، ۲۱۱-۲۴۴. doi: 10.22054/jclr.2023.63955.2400



Criminal Law Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.

